



تأملی بر آثار اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی و موارد ابطال آن در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی

مجتبی زاهدیان^۱
احسان بزمی مایوان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

چکیده

در دهه‌های اخیر، داوری به عنوان روشی کارآمد به منظور فیصله‌ی مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی مطرح گردیده است. با این وجود، سیطره و نظارت محاکم ملی بر فرآیند داوری و همچنین رأی صادره از جانب آن، کماکان به قوت خویش باقی است. به رسمیت شناخته شدن حق اعتراض به رأی داور در اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون داوری ایکسید و قانون داوری تجاری بین‌المللی در نظام حقوقی ایران، مهمترین جلوه‌ی نظارت محاکم ملی بر فرآیند داوری است؛ اگرچه حمایت بایسته از جریان داوری، ایجاب می‌نماید که جهات اعتراض، تا حد امکان، حداقلی باشد. با در نظر گرفتن درخواست تجدیدنظر از رأی داور و درخواست ابطال آن به عنوان مهمترین مصادیق اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی، تبیین و ارزیابی آثار مترتب بر آنها، اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. مطالعه توصیفی - تحلیلی موضوع مزبور، مؤید آن است که مداخله‌ی غیرماهوی محاکم ملی و همچنین عدم اجرای فراسرزمینی رأی داوری ابطال شده از مهم‌ترین آثار مترتب بر اعتراض به آرای داوری خارجی و بین‌المللی است. در خصوص جهات (موارد) ابطال آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی نیز بایستی گفت که توسعه جهات مزبور در نظام حقوقی ایران - که در قالب موارد ابطال و بطلان رأی در قانون داوری تجاری بین‌المللی منعکس گردیده است - تهدیدی جدی در راستای توسعه بهینه داوری و نهادینه ساختن آن در عرصه روابط اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی است که عزم بایسته قانونگذار کشور به منظور انجام اصلاحات در این تأسیس حقوقی را اقتضاء می‌نماید.

^۱ استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجه، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول): Zahedian.mojtaba@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجه، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. ehsanbazmi1363@gmail.com

کلید واژه‌ها

ابطال، اعتراض، بطلان، داوری، محاکم ملی.

مقدمه

داوری یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات در عرصه‌ی بین‌المللی است که دارای سهولت و سرعت بیشتر و البته هزینه کمتر نسبت به سایر شیوه‌هاست. موافقتنامه‌ی داوری به دو صورت شرط داوری در ضمن قرارداد اصلی و یا انعقاد قرارداد مستقل تنظیم می‌شود. با وجود اینکه داوری، شیوه‌ای مسالمت‌آمیز به منظور فیصله اختلافات خارج از دایره محاکم دادگستری است، لیکن این ساز و کار، به طور کامل از سیطره و دخالت محاکم مزبور رها نشده و تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی با وجود احترام به اصل آزادی اراده‌ی طرفین در قراردادهای خصوصی، میزانی از حق نظارت محاکم دادگستری بر داوری را پیش بینی نموده‌اند؛ چرا که این فرض وجود دارد که طرفین به طور مطلق، به صدور رأی توسط داور رضایت نداده‌اند، بلکه ممکن است رضایت آنها قیودی داشته باشد که لازم است داور آنها را رعایت کند (شهبازی نیا و علی‌دادی ده‌کهنه، ۱۳۹۹: ۵۲)؛ حق نظارت گفته شده، زمانی که عنصری خارجی و بین‌المللی وارد فرآیند داوری شده باشد، تشدید شده و بدین منظور، دادگاه‌های مقر داوری، دارای صلاحیت قضایی انحصاری به منظور اعمال نظارت قضایی اولیه بر رأی داوری و استماع دعوی اعتراض به آن در حدود شرایط و محدودیت‌های تعیین شده به وسیله قانون آن کشور می‌گردند (توکلی و طبائی، ۱۳۹۴: ۱۱۱)؛ دلیل این امر، تمایل دولتها به منظور پاسداری از اصول بنیادین و نهادینه شده‌ی حقوق ملی و جلوگیری از تحت تأثیر قرار گرفتن آنها توسط داوری و همچنین کسب اطمینان از صحت جریان داوری و استقرار عدالت است؛ ضمن اینکه این اعتقاد همواره وجود دارد که داوری، مطلوبیت و محبوبیت خود را مدیون حمایت زیرساخت حقوقی بنیادینی است که در شکل قانونگذاری ملی یا به شکل معاهدات دو یا چندجانبه توسط دولتها فراهم می‌شود (باقری، ۱۳۸۶: ۵۳؛ جنیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۹). بر مبنای آنچه گفته شد، می‌توان مدعی گشت که مطلوبیت امکان اعتراض به رأی داوری، بر کسی پوشیده نیست و فدا کردن دقت و عدالت به منظور تسریع در رسیدگی، عقلانی نیست؛ لیکن بایستی موارد اعتراض به رأی داوری و امکان ابطال آن را محدود به موارد خاص و مصرح نمود؛ در غیر این صورت، توالی فاسدی همچون اتلاف وقت و هزینه و سلب اعتماد در روابط اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه پدیدار خواهند گردید. اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی در محاکم ملی، امری گریزناپذیر است که قطعاً واجد آثاری در سطوح مختلف خواهد بود. با توجه به آنچه گذشت، در پژوهش پیش‌روی بر آن شدیم تا با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و در پیش گرفتن شیوه‌ی مقایسه‌ای، به تبیین و ارزیابی آثار مترتب بر اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی و همچنین موارد ابطال آرای مزبور با تکیه بر مندرجات اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط و همچنین نظام حقوقی ایران بپردازیم؛ مهم‌ترین وجه نوآورانه

پژوهش پیش روی، تحلیل آثار اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی و موارد ابطال آن با در نظر گرفتن اشکال و گونه‌های مختلف آن و همچنین رویکرد تطبیقی در مطالعه اسناد بین‌المللی و حقوق موضوعه ایران است. اما پیش از ورود به بحث اصلی، آشنایی اجمالی با مفاهیم کلیدی پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد.

۱- مفاهیم پژوهش

شناسایی مفاهیم عمده در یک پژوهش، امری است که ممکن است در بدو نظر واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقفیت این است که بدون درک درست از مفاهیم یک نوشتار و رها نمودن مفاهیم از تردید و دوپهلویی، با مفهوم شناسی جامع، ورود در مباحث ماهوی پژوهش با اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارندگان بر مفهوم شناسی، نه صرفاً به منظور گردآوری برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم شناسی کاربردی است.

۱-۱- داوری

داوری را به حل و فصل اختلاف خارج از دادگاه با تصمیم الزام‌آور فرد یا افرادی که مورد اعتماد و قبول اطراف اختلاف می‌باشند و به طور مستقیم توسط خود آنها یا غیرمستقیم به کمک اشخاص معینی منصوب می‌گردند (نیکبخت، ۱۳۸۸: ۱۱) و رفع اختلاف فی‌مابین اصحاب دعوا از طریق واگذاری آن به حکم اشخاصی که طرفین دعوا به تراضی و یا دادگاه صالحه به قید قرعه، آنها را انتخاب می‌نمایند (مدنی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۶۸). تعریف نموده‌اند. در بند (الف) ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶، داوری بدین ترتیب تعریف شده است: «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی». صرف نظر از این که در این تعریف از کلمه سنگین «متداعین» استفاده شده و جمله با فعل به پایان نرسیده است، تعریف مزبور اولاً: به جنبه قضایی رسیدگی در داوری توجه نکرده است و به این ترتیب شامل سایر روش‌های حل و فصل اختلاف نیز مثل سازش و میانجی‌گری می‌شود؛ در حالی که میانجی بدون صدور رأی به اختلاف پایان می‌دهد؛ ثانیاً: تعریف به نحوه حل و فصل اختلاف که باید مبتنی بر اصول حقوقی باشد، اشاره ای نکرده است. ثالثاً: تعریف مزبور به لازم الاجرا بودن رأی و تصمیم داور نیز اشاره ای نمی‌کند. به هر حال، هر تعریفی از داوری مثل سایر تعریف‌ها، از نظر جامع و مانع بودن قابل انتقاد خواهد بود؛ شاید به این دلیل است که در اکثر قوانین ملی، داوری تعریف نشده است (شیروی، ۱۳۹۹: ۱۱).

۱-۲- اعتراض به رأی داوری

یکی از دستاوردهای مهم حقوق نوین داوری خصوصاً بعد از نیمه دوم قرن بیستم، ظهور و بروز اصل قطعیت آرای داوری است^۱ که مستدلاً به دلایل و مبانی حقوقی و نیز براهین عقلی و منطقی، قابل درک و اثبات است (رسول زاده فرساد و علمی یزدی، ۱۳۹۹: ۱۹۰)؛ این اصل، مورد قبول اکثر نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی بالأخص قانون نمونه آنسیترال است (شهبازی نیا و علی‌دادی ده‌کهنه، ۱۳۹۹: ۵۸)؛ با این وجود، به تعبیر پروفسور کارلستون، اعلام قاعده‌ی قطعیت حکم، نمی‌تواند به معنای لطمه زدن به حقوق مشروع طرفین ناشی از انکار عدالت، تجاوز از اختیارات یا تقصیر حقوقی دیگر باشد (Carlston, 1972: 212) به همین دلیل، طرفین همیشه راضی و پایبند به رأی صادره، با هر شیوه‌ای نبوده (لالیو، ۱۳۷۲: ۳۸۴) و در عمل، گاه پیش می‌آید که رأی داوری، مورد قبول یکی از طرفین موافقتنامه داوری نیست و آن طرف (محکوم علیه) تلاش مینماید تا با توسل به روشی که مورد حمایت قانون‌گذاران، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی باشد، از شناسایی و اجرای آن، خودداری به عمل آورد؛ اینجاست که بحث اعتراض مطرح می‌شود (معراج، ۱۴۰۰: ۹۴). اعتراض به رأی داور، شکایتی است که به موجب آن، مدعی از محکمه تقاضا میکند که نسبت به صدور حکم مبنی بر بطلان رأی داور، اقدام نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۶۲). کنوانسیون داوری ایکسید (واشنگتن) از جمله مهمترین اسنادی است که در آن، امکان اعتراض به رأی داوری پیش‌بینی شده است؛ بند ۱ ماده ۵۲ این کنوانسیون، اعتراض به رأی را در کمیته‌ی ویژه‌ی داوری، قابل طرح دانسته است. در نظام حقوقی ایران نیز قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ در مادتين ۳۳ و ۳۴، اعتراض به رأی داوری در قالب ابطال و بطلان رأی مورد پذیرش قرار داده است ماده ۳۵ این قانون به صراحت اشعار داشته است: «به استثنای موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴، آرای داوری که مطابق این قانون صادر شود، قطعی و پس از ابلاغ، لازم الاجراست».

۲- گونه‌های اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی

۱-۲- درخواست ابطال

ابطال در لغت به معنای باطل کردن، نقض، نسخ، الغاء، نادرست کردن، تباه کردن، ناچیز کردن و ...

^۱ فراتر از قطعیت آرای داوری، درخصوص داوری‌های داخلی، برخی حقوقدانان (شمس، ۱۴۰۰، ج ۳: ۵۲۷) بر این باورند که حتی نمی‌توان داوران را به سبب قصور در انجام وظیفه، مسبب خسارت مادی و معنوی دانست؛ چرا که متن اولیه ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، نه تنها داوران را مسئول خسارات ناشی از قصور قلمداد می‌نمود، بلکه آنان را مسئول ضرر معنوی نیز قرارداده بود. لیکن شورای نگهبان آن را خلاف موازین شرع اعلام نموده و نهایتاً متن ماده به شرح فعلی تغییر یافت؛ بنابر این در حال حاضر قصور داور از موجبات مسئولیت وی نیست. لیکن درخصوص داوری‌های بین‌المللی، جبران خسارت ناشی از رأی داوری، هم از حیث کاربرد و هم از حیث تأثیرگذاری در کنوانسیون ایکسید مورد توجه ویژه قرار گرفته است (Shin, 2015: 699).

(دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۲۸) و در اصطلاح حقوقی به معنای از درجه اعتبار ساقط کردن و ازاله اعتبار عمل حقوقی (جعفری لنگرودی، منبع پیشین: ۱۸) آمده است. برخلاف آرای دادگاه‌ها که قابل تجدیدنظرخواهی هستند، رأی داور، معمولاً قطعی و غیرقابل تجدیدنظر هستند؛ اما در شرایطی هم روال به این گونه است که این امکان برای زیان‌دیده از رأی داور وجود دارد تا تحت شرایطی خاص، از دادگاه درخواست ابطال رأی داور را کند (معراج، منبع پیشین: ۸۵)؛ به بیان کلی‌تر، به منظور حصول اطمینان از صدور رأی داور بر مبنای اصول دادرسی و همچنین عدالت، بی‌طرفی و انصاف، گاهی ضروری است تا امکان ابطال رأی داور در موارد مشخص وجود داشته باشد (Hakansson, 2014: 3).

طریقه‌ی مرسوم به منظور اعتراض به رأی داور هم در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و هم در قانون داور تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶، تقاضای ابطال آن است؛ با وجود استعمال واژه «اعتراض» در مادتهای ۴۹۱ و ۴۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی و بکارگیری واژه «ابطال» در مادتهای ۴۸۹ و ۴۹۲ قانون مزبور، به نظر می‌رسد طریقه‌ی معمول اعتراض به رأی داور، همان تقاضای ابطال آن می‌باشد؛ چرا که دعوی ابطال در بیشتر نظام‌های حقوقی با الهام از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داور تجاری (کنوانسیون نیویورک) مصوب ۱۹۵۸ و قانون نمونه آنستیرال مصوب ۱۹۸۵، به مثابه‌ی تنها راه اعتراض در نظر گرفته شده است (جاویدتاش، ۱۳۷۷: ۶). در ماده‌ی ۳۴ قانون نمونه آنستیرال درخواست ابطال، تنها طریق اعتراض به رأی محسوب گردیده است؛ اگرچه درخواست اصلاح و تفسیر رأی داور در ماده ۳۳ این قانون پذیرفته شده و قانون ایران نیز از آن الهام گرفته است (بند ۱ ماده ۳۲ قانون داور تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶)، لیکن اینگونه به نظر می‌رسد که هیچ یک از دو قانون فوق‌الاشاره، درخواستهای این چنینی را اعتراض به معنای اخص کلمه قلمداد نمی‌نمایند.

۲-۲- درخواست تجدیدنظر

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های داور، قطعی و لازم‌الاجراء بودن رأی داور است. ارجاع اختلاف به داور دربردارنده این قصد است که طرف‌های قرارداد (موافقت‌نامه) داور تمایل دارند اختلاف خود را به طور قطعی و نهایی از طریق داور حل و فصل کنند؛ زیرا نمی‌خواهند برای حل و فصل اختلاف، دوباره به دادگاه رجوع کنند؛ به بیان دیگر، برخلاف رسیدگی‌های مراجع قضایی که عمدتاً آرای صادره در آنها، قابلیت تجدیدنظرخواهی دارند، در رسیدگی‌های داور چنین امکانی وجود ندارد و داور یا داوران پس از صدور رأی، مشمول قاعده فراغ دادرسی می‌شوند؛ بر همین مبنای، در اسناد متعدد بین‌المللی، رأی داور، نهایی و غیرقابل تجدیدنظر دانسته شده است؛ به عنوان نمونه به موجب ماده ۳۲ قانون داور نمونه آنستیرال مصوب ۱۹۸۵: «رسیدگی داور به موجب رأی نهایی ... ختم می‌گردد». بند ۶ ماده‌ی ۳۵ قواعد داور اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز در این راستا مقرر میدارد: «رأی داور نسبت به طرف‌ها

لازم الاجرا است. با مراجعه به داوری در چارچوب قواعد، طرف‌ها متعهد می‌شوند که رأی داوری را بدون تأخیر اجرا نمایند و چنین تلقی می‌شود که حق اعتراض به رأی را تا جایی که چنین اسقاطی بتواند معتبر باشد، ساقط کرده‌اند؛ با وجود اینها، مؤلفه‌های خاص داوری به مثابه ی یکی از شیوه‌های مسالمت-جویانه‌ی حل و فصل اختلافات تجاری و بین‌المللی، این امکان را برای طرفین فراهم می‌نماید که تجدیدنظرخواهی از رأی صادره توسط داوری را نیز به تراضی در موافقتنامه‌ی داوری درج نمایند؛ بر این اساس، بسیاری از مقررات بین‌المللی نیز در این راستا به ایجاد مقرره‌های مرتبط، مبادرت نموده‌اند؛ به عنوان نمونه ماده‌ی ۵۱ کنوانسیون داوری ایکسید (مصوب ۱۹۶۵ واشنگتن) تجدیدنظرخواهی از رأی داوری را ممکن دانسته است. به موجب ماده فوق، تجدیدنظرخواهی زمانی قابلیت طرح دارد که پس از صدور رأی، حقایق جدیدی کشف گردد که به طور قاطع، بر نتیجه‌ی داوری تأثیر داشته باشند. البته حقایق مزبور، نبایستی قبلاً برای دیوان داوری و یا تجدیدنظرخواه معلوم گشته باشد؛ همچنین عدم آگاهی تجدیدنظرخواه از آن حقایق نیز نباید ناشی از تقصیر وی باشد. علاوه بر کنوانسیون واشنگتن، قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس نیز با پیش بینی صلاحیت دیوان بین‌المللی داوری «دیوان» به منظور رسیدگی تجدیدنظر، امکان تجدیدنظر در آرای صادره از داوری را نیز پذیرفته است. در نظام حقوقی ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۶)، درخصوص امکان تجدیدنظرخواهی از آرای صادره توسط داوران خارجی و بین‌المللی، مقرره ای ندارد؛ لیکن می‌توان در این زمینه به اصل آزادی اراده استناد نمود و مدعی شد که بر مبنای اصل مزبور، توافق طرفین مبنی بر امکان یا عدم امکان تجدیدنظر در رأی صادره توسط داور، نافذ خواهد بود؛ تفاوتی هم نمی‌کند که توافق مزبور در ذیل موافقتنامه‌ی داوری صورت گرفته باشد و یا بعد از صدور رأی داور، طرفین به چنین توافقی دست یافته باشند؛ دلیل این امر نیز مشخص است؛ چرا که منع، نیاز به دلیل دارد و در مانحن‌فیه، منعی از جانب قانونگذار به چشم نمی‌خورد.

۲-۳- تفاوت میان تجدیدنظر و ابطال

به طور کلی، میان تجدیدنظر از آرای داوری با ابطال آرای مذکور، دو تفاوت عمده وجود دارد: تفاوت نخست مربوط به آثار این روش‌هاست. در تجدیدنظر، مرجع تجدیدنظرکننده، رأی داوری را به طور کلی بررسی می‌کند و درصورت مشاهده اشکال یا ایرادهایی در آن، به تغییر و اصلاح رأی مذکور اقدام می‌نماید؛ اما در موردی که یکی از طرفین، درخواست ابطال رأی داوری را مطرح می‌کند یا اینکه مرجع صالح، ضمن رسیدگی، متوجه برخی از مبانی بطلان آرای داوری در رأی بدوی می‌گردد، صرفاً باطل بودن رأی را اعلام می‌کند؛ تفاوت دوم روش‌های مذکور در این است که تجدید نظر وارد در ماهیت دعوی می‌گردد؛ درحالی که رسیدگی‌های ابطال، صرفاً در محدوده‌ی برخی ایرادهای شکلی اساسی، عمل می‌کنند (مخبر و بیگ زاده، ۱۳۹۶: ۱۵).

۳- آثار اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی

۳-۱- دخالت محاکم ملی

علیرغم پذیرش داوری به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز دعا توسط بسیاری از دولت‌ها، این روش، به طور کامل در اختیار طرفین قرار داده نشده و برخی امور، از عداد اختیارات و صلاحیت داوران خارج گردیده است تا بتوان از این طریق، حق دخالت و نظارت بر داوری‌های صورت پذیرفته در قلمرو سرزمینی را حفظ نمود. فقدان قدرت اجرایی داور یا نهاد داوری و امکان نظارت بر آرای صادره از جانب آن، موجب می‌گردد که فرآیند داوری خارجی و بین‌المللی، همواره نیازمند به دادگاه‌های ملی - به مثابه ابزار حامی و اهرم ضمانت‌کننده‌ی خود - باشد. دخالت دادگاه‌های ملی در فرآیند داوری، محدود به زمان قبل از رسیدگی داوری نبوده و ممکن است در حین رسیدگی داوری و همچنین بعد از آن نیز شرایط موجود، دخالت محاکم ملی را اقتضاء نماید؛ مانند اینکه رأی صادره توسط داور خارجی یا بین‌المللی، مورد اعتراض محکوم علیه یا شخص ثالث در دادگاه ملی واقع شود یا اینکه درخواست ابطال آن به محکمه تسلیم گردد؛ بنابراین دخالت محاکم ملی یکی از آثار گریزناپذیر اعتراض به آرای داوری خارجی و بین‌المللی است؛ شاید به همین دلیل و به منظور محدود نمودن هرچه بیشتر دست اندازی محاکم ملی به آرای داوری خارجی و بین‌المللی است که در برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی (نیویورک، ۱۹۵۸)، مبانی بسیار محدودی برای اعتراض به آرای داوری و اجرای آنها مورد پذیرش قرار گرفته است^۱ (زاهدیان و بزمی مایوان، ۱۴۰۰: ۱۲۳). با این وجود، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی در مورد داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۹۶۱)، اتخاذ تصمیم درخصوص وجود و یا اعتبار توافقنامه داوری را به دادگاه‌های ملی دولت‌های طرف معاهده، محول نموده است؛ این اتخاذ تصمیم - که ممکن است متعاقب اعتراض یکی از طرفین به رأی داور انجام گردد - موجب لطمه به داوری‌های خارجی و بین‌المللی از طریق گسترش موارد دخالت و نظارت محاکم ملی بر آنها خواهد گردید. در مقابل، مقرراتی همچون بند ۴ ماده ۶ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی با به رسمیت شناختن صلاحیت دیوان داوری (داور) مبنی بر اظهارنظر در مورد موافقتنامه‌ی داوری، قرارداد اصلی و حتی صلاحیت خود، مراجعه به مراجع قضائی و دادگاه‌های ملی را حتی در صورت اعتراض یکی از طرفین نیز تجویز نموده اند. درخصوص داوری‌های تجاری بین‌المللی، امروزه با عنایت به شکل‌گیری اصل ممنوعیت بازرنگری ماهوی رأی داوری تجاری بین‌المللی در اغلب منابع بین‌المللی و داخلی، به ویژه با عنایت به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی و قانون نمونه آنسیترال و الگوبرداری نظام‌های حقوقی ملی از آن، مداخله قضایی در مورد رأی داوری

^۱ این کنوانسیون، حتی آنجا که یکی از جهات ابطال موجود باشد، مجوز ابطال رأی داور را صادر نمی‌کند؛ بلکه صرفاً آن را غیرقابل اجرا می‌داند (Franck, 2005 : 1522).

تجاری بین‌المللی به استناد اشتباه داور منتفی شده و بازنگری همه‌جانبه‌ی رأی داور توسط دادگاه ممنوع است (ایران‌شاهی، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۱۰). در نظام حقوقی ایران، به موجب ماده ۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۶): «دادگاهی که دعوی موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است، باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوی طرفین را به داوری احاله نماید؛ مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی‌الآثر یا غیرقابل اجرا می‌باشد. طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود». از این ماده، موارد ذیل استنباط می‌گردد: الف) امکان مراجعه همزمان به دادگاه و نهاد داوری؛ ب) امکان بی‌توجهی دادگاه به شرط یا موافقتنامه‌ی داوری در صورت عدم احاله‌ی دعوا به داوری از جانب یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه؛ ج) عدم امکان ارجاع دعوا به داوری در صورت احراز دادگاه مبنی بر باطل یا ملغی‌الآثر بودن شرط یا موافقتنامه داوری حتی با وجود درخواست یا اعتراض یکی از طرفین؛ د) عدم ممانعت طرح دعوا در دادگاه از جریان داوری و صدور رأی توسط داوران در صورت شروع داوری؛ به نظر می‌رسد ماده مزبور ترجمه‌ای از ماده ۸ قانون داوری نمونه آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ بوده و اصلاح آن، به تقویت نهاد داوری منجر خواهد گردید.

۳-۲- عدم اجرای فراسرزمینی رأی ابطال شده

مطابق نظریه سنتی، رأی داوری به مثابه پدیده‌ای حقوقی در یک جهان اعتباری یعنی نظام حقوقی ملی کشور مبدأ متولد می‌شود و به تبع، جوهر و آثار وجودی خود را از آن نظام می‌گیرد؛ بنابراین در صورت ابطال رأی در کشور مبدأ، نمی‌توان در چهارچوب نظام حقوقی دیگر (کشور محل درخواست اجرا)، مدعی وجود یا آثار وجودی گردید که در فرض ابطال در کشور مبدأ، سلب گردیده است (جنیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۳۹). بر همین مبنا و به موجب قسمت (ه) از بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، یکی از موانع شناسایی و اجرای رأی داوری، ابطال آن توسط مقام ذی‌صلاح کشور مقرر یا کشوری است که قانون شکلی آن، بر داوری حکومت داشته است. بند (ث) ماده ۹ کنوانسیون مزبور نیز، ابطال رأی داوری در کشور مبدأ را از موجبات عدم اجرای رأی داوری به طور کلی بیان داشته است. علاوه بر مقرر فوق، از نقطه نظر رویه قضایی، رویه مستقر بین‌المللی به منظور شناسایی و اجرای آرای داوری ابطال شده وجود نداشته و بسیاری از دادگاه‌ها به جهت اعتماد و احترام متقابل، از شناسایی و اجرای آرای داوری ابطال شده استنکاف می‌نمایند (باقرزاده و منصوری رضی، ۱۳۹۹: ۵۵)؛ از نظر رویه‌ی اجرایی، گرایش جهانی نیز بر این است که حکم ابطال رأی داوری صادره در کشور مقرر داوری (کشور مبدأ)، در کشورهای دیگر نیز محترم باشد.

۴- موارد ابطال آرای صادره از داوری‌های خارجی و بین‌المللی

همسانی قوانین داخلی ناظر بر داوری با مقررات مندرج در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، باعث

کاهش اختلافات و افزایش تمایل اشخاص و بالاخص تجار نسبت به فیصله‌ی مسالمت آمیز اختلافات از طریق داوری می‌گردد؛ از مهم‌ترین گونه‌های اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی، درخواست ابطال رأی داور است تا از صدور حکم ناصحیح و غیرعادلانه توسط داور جلوگیری به عمل آید؛ بنابراین تبیین و تحلیل موارد و جهات ابطال رأی داور خارجی و بین‌المللی و همچنین وجوه تشابه و تمایز میان رویکرد نظام حقوقی ایران در این مورد با رویکرد اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۴- رویکرد اسناد بین‌المللی

مؤسسه‌ی حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۷۵، این مسئله را به رسمیت شناخت که حکم داوری، می‌تواند حاوی نقصی باشد که امکان ابطال آن را فراهم سازد. به نظر این مؤسسه، بطلان قرارداد داوری، تجاوز از حدود اختیارات، اثبات فساد و خطای اساسی، چهار جهت به منظور ابطال احکام داوری بین‌المللی می‌باشند (Schwarzenberger, 1986 : 700) ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپایی در مورد داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۹۶۱)، جهات ابطال رأی داوری را عبارت از بی‌اعتباری موافقتنامه‌ی داوری، ناتوانی یکی از طرفین، عدم دریافت اخطار به موقع جهت انتساب داور، عدول دیوان داوری از حدود اختیارات و همچنین عدم تشکیل دیوان داوری مطابق توافق طرفین می‌داند؛ لذا در صورت تحقق موارد مزبور، محکمه کشور مبدأ، اختیار ابطال رأی داور را خواهد داشت. کنوانسیون داوری ایکسید (مصوب ۱۹۶۵) نیز در ماده ۵۲ خود، در پنج مورد، آرای صادره از جانب داور (دیوان داوری) را قابل ابطال قلمداد می‌نماید که عبارتند از: تجاوز آشکار دیوان از حدود اختیارات و صلاحیت، عدم تشکیل صحیح دیوان داوری، وجود فساد یا اخذ رشوه از جانب یکی از اعضای دیوان، انحراف اساسی از قواعد دادرسی و صدور رأی بلا دلیل. درخصوص مورد اخیر بایستی گفت که چون آگاهی از علت صدور رأی، حق طبیعی و قانونی اصحاب دعوی می‌باشد و اصل توجیه رأی نیز یکی از اصول بنیادین دادرسی در حقوق بسیاری از کشورها محسوب میگردد و به عبارت دیگر بخشی از نظم عمومی دادرسی است، رأی غیر مدلل داور، قابل ابطال خواهد بود (امینی و منصور، ۱۳۹۷ : ۳۲). به طور کلی درخصوص ماده ۵۲، این توافق وجود دارد که این ماده را نباید تفسیر موسع یا مضیق کرد؛ بلکه تفسیر این ماده باید براساس قواعد حقوق بین‌الملل مرتبط با تفسیر معاهدات صورت گیرد؛ چرا که تاریخ این کنوانسیون نشان می‌دهد که نویسندگان آن، خواهان تفسیر مضیق دلایل ابطال بوده‌اند، به‌گونه‌ای که این روش به صورت یک استثنا باقی بماند (مخبر و بیگ زاده، ۱۳۹۶ : ۱۸). علاوه بر دو کنوانسیون اشاره شده، ماده ۳۴ قانون نمونه آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ نیز جهات ابطال رأی داوری را اینگونه برشمرده است: «رأی داوری ممکن است صرفاً در موارد زیر توسط دادگاه ... ابطال شود: الف) طرفی که چنین درخواستی می‌نماید، دلایلی ارائه نماید که یک: طرف مقابل، فاقد برخی از اهلیت‌های لازم بوده یا موافقتنامه مذکور به موجب قانونی که

طرفین حاکم بر آن دانسته‌اند، یا در صورتی که چنین قانونی تعیین نشده باشد، به موجب قانون این کشور، معتبر نیست؛ دو: در مورد تعیین داور یا رسیدگی داوری، ابلاغیه قانونی دریافت نکرده باشد یا به هر جهت دیگری، قادر به اقامه دعوایش نشده باشد؛ سه: رأی نسبت به اختلافی که به موجب شرط رجوع به داوری، مورد نظر نبوده یا در چارچوب شرایط مذکور نمی‌گنجد، صادر شده باشد یا حاوی تصمیم درباره موضوعی باشد که خارج از قلمرو شرط رجوع به داوری است؛ مشروط بر اینکه، اگر تصمیم متخذه نسبت به موضوعات ارجاع شده به داوری، از موضوعاتی که ارجاع نشده قابل تفکیک باشد، بتوان آن قسمت از رأی را که حاوی تصمیم درباره موضوعاتی است که به داوری ارجاع نشده، ابطال کرد، چهار: ترکیب دیوان داوری یا آیین رسیدگی داوری، مطابق موافقت‌نامه داوری نباشد؛ مگر اینکه موافقت‌نامه مذکور با یکی از مقررات این قانون که طرفین نمی‌توانند از آن عدول نمایند، در تعارض باشد و یا اگر موافقت‌نامه‌ای وجود نداشته باشد، ترکیب دیوان داوری یا آیین رسیدگی داوری، مطابق مفاد این قانون نبوده باشد؛ ب) دادگاه احراز کند که یک: موضوع اصلی اختلاف، به موجب قوانین این کشور، قابل حل و فصل از طریق داوری نیست؛ دو: رأی داوری، مخالف نظم عمومی این کشور است.»

۴-۲- رویکرد نظام حقوقی ایران

همانگونه که پیشتر نیز اشاره گردید، داوری به مثابه‌ی روش مسالمت آمیز فیصله‌ی اختلافات، کماکان از نظارت و دخالت محاکم دولتی و ملی رها نگردیده است؛ به گونه‌ای که حتی در آزادترین نظام‌های حقوقی که بیش‌ترین احترام را به اصل آزادی اراده‌ی طرفین قرارداد خصوصی قائلند، کمیته‌ای از نظارت محاکم ملی بر داوری، پیش‌بینی گردیده است؛ با این وجود، نظارت مزبور، مطلق و بی‌حد و مرز نبوده و بی‌اعتبار اعلام نمودن آرای داوری محدود به جهات و معیارهای خاصی است. جهات مزبور در اکثریت نظام‌های حقوقی ملی (به تبعیت از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی که پیشتر به آنها اشاره گردید)، تقریباً یکسان می‌باشد. به طور کلی، جهات بی‌اعتبار اعلام نمودن رأی داور را می‌توان ذیل دو دسته کلی، جای داد^۱؛ دسته‌ی نخست: جهاتی هستند که قابل ابطال می‌باشند؛ لیکن ابطال آنها، مستلزم درخواست ذی‌نفع نزد محکمه صالح و البته در مهلت قانونی است؛ موارد مذکور در بند (الف) ماده ۳۴

۱. فایده‌ی عملی مرتب بر تفکیک و تقسیم بندی مزبور در جایی است که محکوم علیهم رأی داور بین‌المللی، چند نفر باشند و برخی از آنان، به رأی داور اعتراض نمایند؛ در این صورت، چنانچه باطل اعلام گردیدن رأی داور بین‌المللی توسط محکمه به دلیل وجود جهات بطلان باشد، رأی صادره توسط داور بین‌المللی، به کلی از درجه‌ی اعتبار ساقط و نسبت به هیچ یک از طرفین، منشاء اثر نخواهد بود؛ به بیان دیگر، چنانچه دلیل باطل اعلام گردیدن رأی داور بین‌المللی، وجود یکی از جهات بطلان باشد، در این صورت، رأی صادره از اساس باطل و نسبت به تمامی طرفین کلیه‌ی داوری، باطل و بلااثر خواهد بود؛ لیکن چنانچه چنانچه دلیل باطل اعلام گردیدن رأی داور بین‌المللی، وجود یکی از جهات ابطال باشد، در این صورت (اگر رأی قابل تجزیه و تفکیک باشد)، نسبت به معترضین مؤثر و نسبت به سایر محکوم علیهم (که بدان اعتراض ننموده اند) فاقد اثر است.

قانون نمونه آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ که پیشتر نیز اشاره گردید، ذیل جهات مزبور قرار می‌گیرند و در نظام حقوقی ایران نیز با افزودن چند مورد، ذیل ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بين المللى مصوب ۱۳۷۶ آمده-
 اند. دسته دوم: جهاتی هستند که رأی داور، فی‌نفسه باطل است و محکمه رأسا یا به درخواست ذی‌نفع، بدون الزام به رعایت مهلتی خاص، در قالب رأی اعلامی، بطلان آن (رأی داورى) را اعلام می‌دارد؛ موارد مذکور در بند (ب) ماده ۳۴ قانون نمونه آنسیترال که پیشتر اشاره گردید، ذیل جهات مزبور قرار می‌گیرند و در نظام حقوقی ایران نیز با افزودن یک مورد، ذیل ماده ۳۴ قانون داورى تجارى بين المللى آمده‌اند.^۱

۴-۲-۱- ابطال رأی داورى

در اغلب کشورها و از جمله در حقوق ایران، طبق ماده‌های ۳۳ و ۳۴ قانون داورى تجارى بين المللى مصوب ۱۳۷۶، تنها روش اعتراض به رأی داورى بين المللى، طرح دعواى ابطال آن است؛ بنابراین تقاضای پژوهش‌خواهی یا اعتراض شخص ثالث و دیگر طرق اعتراض به رأی داورى داخلى در خصوص رأی داورى بين المللى، غیرممکن است (شهلا و بشارتی، ۱۳۹۸: ۵۵). قانون داورى تجارى بين المللى این موارد را در ماده ۳۳ احصا کرده است؛ وفق ماده مذکور، ابطال رأی می‌تواند به یکی از علل زیر به درخواست یکی از طرفین از دادگاه تقاضا شود: الف) یکی از طرفین، فاقد اهلیت بوده باشد؛ ب) موافقتنامه داورى به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند، معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد؛ ج) مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اختاریه‌های تعیین داور یا درخواست داورى رعایت نشده باشد؛ د) درخواست‌کننده ابطال به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلیل و مدارک خود نشده باشد؛ ه) داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داورى قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات داور بوده قابل ابطال است؛ و) ترکیب هیئت داورى یا آیین دادرسی، مطابق

^۱ در حیطه داورى‌های داخلى، به موجب ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹): « رأی داورى در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرائی ندارد: ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد. ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داورى نبوده رأی صادر کرده است. ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است، ابطال می‌گردد. ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داورى صادر و تسلیم شده باشد. ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد. ۶- رأی به وسیله داورانى صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند. ۷- قرارداد رجوع به داورى بی اعتبار بوده باشد». به نظر می‌رسد قانونگذار در این ماده و در این قانون، برخلاف قانون داورى تجارى بين المللى و همچنین کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸)، موارد ابطال و بطلان را در یک ردیف قرار داده و آنها را مترادف و واحد دانسته است؛ توضیح مطلب اینکه جهات هفت‌گانه‌ی مزبور، علی‌رغم اغماض و مسامحه‌ی مقتن، در یک درجه قرار نداشته و از درجه یکسان اهمیت برخوردار نیستند؛ عدم رعایت برخی از آنها، واجد اهمیت چندانی نبوده و تنها به حقوق شخص خلل وارد می‌کنند؛ مانند صدور رأی پس از انقضای مدت داورى که در صورت درخواست و اعتراض ذی‌نفع، محکمه حکم به ابطال داورى انجام شده خواهد داد؛ لیکن برخی دیگر از موارد هفت‌گانه مزبور، با منافع اساسی جامعه در تضاد بوده و بدلیل نقض مقررات آمره بایستی در زمره جهات بطلان قید گردند مثل مخالفت و تعارض رأی صادره با قوانین موجد حق.

موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد؛ (ز) رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده ۱ پذیرفته شده است؛ (ح) رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد؛ (ط) پس از صدور رأی داوری، مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته یا باعث کتمان آنها شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، قانون داوری تجاری بین‌المللی، مقتبس از قانون نمونه آنسیترال، به احصای جهات اعتراض به رأی داوری در ماده ۳۳ فوق‌الاشاره مبادرت نموده است؛ اگرچه که جهات مذکور در این ماده به مراتب مفصل‌تر از ماده ۳۴ قانون نمونه آنسیترال است (سیفی، ۱۳۷۷ : ۳۷) که پیشتر به آن اشاره گردید. نکته قابل ذکر دیگر اینکه اگرچه ایراد عدم اهلیت، از جمله قواعد آمره است و موجبات ابطال رأی داوری توسط دادگاه را فراهم می‌آورد، ولی بند ۳ ماده‌ی ۳۳ قانون مذکور با تعیین مهلتی سه ماهه، درخواست ابطال را صرفاً در این ظرف زمانی، قابل طرح دانسته است (انصاری و عسگری دهنوی، ۱۳۹۱ : ۲۰۰). به موجب این ماده: «درخواست ابطال رأی موضوع بند یک این ماده، ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری ... باید به دادگاه ... تقدیم شود و الا مسموع نخواهد بود».

۴-۲-۲- بطلان رأی داوری

بطلان، صفت عمل حقوقی باطل بوده (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴ : ۱۱۲) و خود بر دو گونه منقسم است : بطلان مطلق و بطلان نسبی؛ بطلان مطلق، همان بطلان واقعی است که به معنای بی اثر بودن عقد یا ایقاع به علت فقدان شرط یا شروطی است که بدون آنها، قانوناً نمی‌توانند اثر داشته باشند و رضایت ذی‌نفع هم نمی‌تواند آن را مؤثر کند (همان : ۱۱۳)؛ بطلان نسبی، وضعیتی است که قانونگذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت، سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرارداده و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را برجای می‌گذارد؛ اما اگر بطلان قرارداد به درخواست ذینفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، اصولاً جزد موارد استثنائی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد (محسنی و قبولی ذرافشان، ۱۳۸۹ : ۲۴۸-۲۴۷). از آنجا که بطلان نسبی، ضمانت اجرای قواعد مربوط به حقوق و منافع خصوصی اشخاص می‌باشد؛ بدین جهت، آن را بطلان مربوط به حقوق خصوصی نیز گفته‌اند (لواسانی، ۱۳۴۳ : ۶۶). درخصوص احکام داوری بین‌المللی بایستی گفت که امکان حقوقی بطلان آنها، به طور کلی پذیرفته شده و این امر می‌تواند از طریق درخواست یا اعتراض یکی از طرفین و به وسیله دادگاه‌های صالحه داخلی بررسی شود (سیفی، ۱۳۷۶ : ۱۵۱). در همین راستاست که به موجب بند (ب) ماده ۳۴ قانون نمونه آنسیترال مصوب ۱۹۸۵، در صورتی که دادگاه داخلی احراز کند که موضوع اصلی اختلاف، به موجب قوانین این کشور، قابل حل و فصل از طریق داوری نیست و همچنین در

صورتی که رأی داور، مخالف نظم عمومی آن کشور باشد، می‌توان درخواست بطلان آن را مطرح نمود. در نظام حقوقی ایران نیز ماده ۳۴ قانون داور تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶، به ذکر موارد بطلان رأی داور بین المللی می‌پردازد؛ به موجب این ماده، در موارد زیر رأی داور، اساساً باطل و غیرقابل اجرا است: داور پذیر نبودن موضوع به موجب قوانین ایران، مخالفت رأی با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور یا قواعد آمره‌ی این قانون. تعارض رأی داور صادره در خصوص اموال غیرمنقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران یا با مفاد اسناد رسمی معتبر، مگر آنکه در مورد اخیر، داور حق سازش داشته باشد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، از آنجا که جهات بطلان رأی داور مرتبط با ملاحظات مرتبط با نظم عمومی، اخلاق حسنه یا قواعد آمره یک کشور است، بنابراین، بطلان صورت گرفته در مورد آنها، از نوع مطلق می‌باشد و نه نسبی. نکته قابل ذکر دیگر این که در صورت بطلان رأی داور، دادگاه اعلام کننده‌ی بطلان، به ماهیت دعوا در حد مأموریت داور رسیدگی و اقدام به صدور رأی می‌نماید؛ مگر اینکه طرفین، به صورت دیگری توافق نموده باشند؛ به این ترتیب، اعلام بطلان رأی داور به معنی بطلان شرط رجوع به داور و حل اختلاف در دادگاه صلاحیت‌دار است؛ ولی ممکن است طرفین توافق نموده باشند که در صورت بطلان رأی، شرط رجوع به داور، اعتبار خود را حفظ و حل اختلاف با توافق طرفین به دادگاه داور دیگری ارجاع داده شود. در این صورت، دادگاه مجدداً ارجاع به داور می‌دهد (خزاعی، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۷).

نتیجه گیری

با وجود مطرح شدن داور به عنوان روشی کارآمد به منظور فیصله‌ی مسالمت آمیز اختلافات بین المللی در دهه‌های اخیر، تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی، میزانی از حق نظارت محاکم ملی خود بر داور را پیش بینی نموده‌اند که این حق نظارت، زمانی که عنصری خارجی و بین‌المللی وارد روند داور شده باشد، تشدید می‌گردد. اعتراض به رأی داور از جانب ذی‌نفع، مهم‌ترین مصداق اعمال حق نظارت محاکم ملی بر داور خارجی و بین المللی است که در دو قالب حق درخواست تجدیدنظر از رأی داور و همچنین درخواست ابطال آن، متجلی می‌گردد. دخالت محاکم ملی یکی از آثار گریزناپذیر اعتراض به رأی داور خارجی و بین المللی است؛ هرچند حمایت بایسته از جریان داور، ایجاب می‌نماید که جهات اعتراض، تا حد امکان، حداقلی باشد. شاید به همین دلیل و به منظور محدود نمودن هرچه بیشتر دست اندازی محاکم ملی به رأی داور خارجی و بین‌المللی است که در کنوانسیون نیویورک، جهات اعتراض به رأی داور و اجرای آنها محدود و احصاء گردیده است. از دیگر آثار اعتراض به رأی داور خارجی و بین‌المللی، می‌توان به عدم اجرای فراسرزمینی رأی ابطال شده اشاره نمود که به موجب آن، در صورت ابطال رأی در کشور مبدأ، نمی‌توان در چهارچوب نظام یا نظام‌های حقوقی دیگر، مدعی وجود یا آثار وجودی گردید که در فرض ابطال در کشور مبدأ، سلب گردیده است. در سطح بین المللی، در خصوص

این اثر، اجماعی نسبتاً فراگیر به چشم می‌خورد. در مورد جهات (موارد) ابطال آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی نیز بایستی گفت که با مقایسه اسناد مهم بین‌المللی مرتبط همچون کنوانسیون اروپایی در مورد داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۹۶۱)، کنوانسیون داوری ایکسید (مصوب ۱۹۶۵) و قانون نمونه آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ با رویکرد نظام حقوقی ایران به طور عام و قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۶) به طور خاص، این نتیجه حاصل می‌گردد که موارد ابطال و بطلان رأی صادره از جانب داور خارجی و بین‌المللی در نظام حقوقی ایران، نسبت به اسناد بین‌المللی اشاره شده، گسترده‌تر می‌باشد؛ به عنوان نمونه در خصوص موارد بطلان، قانون داوری تجاری بین‌المللی علاوه بر مخالفت با نظم عمومی، بحث مخالفت با اخلاق حسنه یا قواعد آمره‌ی کشور را نیز مطرح نموده است. به نظر می‌رسد وضعیت فوق، تهدیدی جدی در راستای توسعه بهینه داوری و نهادینه ساختن آن در عرصه روابط اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی است و عزم بایسته‌ی قانونگذار کشور در این راستا به منظور همگامی با تحولات شتابان نهاد داوری در سطح بین‌المللی را اقتضاء می‌نماید.

منابع

الف) منبع فارسی

۱. امینی، عیسی و منصوری، عباس (۱۳۹۷)، موجه و مدلل بودن رای داوری داخلی با نگاهی بر رویه قضایی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۳۵-۹.
۲. انصاری، علی و عسگری دهنوی، جواد (۱۳۹۱)، ایرادات با اثر مانع موقتی در داوری تجاری بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۶، شماره ۷۹، صص ۱۷۹-۲۱۱.
۳. ایران‌شاهی، علیرضا (۱۳۹۵)، اعتراض به رأی داوری در داوری‌های تجاری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مرسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۴. باقرزاده، حمید و منصور رضی، ایوب (۱۳۹۹)، تفسیر مضیق اختیار دادگاه در اجرای آرای داوری خارجی؛ هماهنگی با مشی حمایتی کنوانسیون شناسایی و اجرای داوری خارجی نیویورک، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۳۹-۶۷.
۵. باقری، محمود (۱۳۸۶)، حدود آزادی طرفین دعوی در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی: جایگاه داوری تجاری بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۳، صص ۲۹-۶۲.
۶. توکلی، زهرا و طبایی، مهشید (۱۳۹۴)، اعتبار حقوقی داوری اینترنتی در تجارت بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۸۷-۱۲۲.
۷. جاویدتاش، احمد (۱۳۷۷)، موارد ابطال رأی داوری در قانون آئین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. جنیدی، لعیا (۱۳۸۷)، مسئله اجرای آرای داوری ابطال شده، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۸، شماره ۴، صص ۱۳۷-۱۵۹.
۱۰. خزاعی، حسین (۱۳۸۶)، رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۳، صص ۱۲۶-۹۷.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (علامه) (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. زاهدیان، مجتبی و بزمی مایوان، احسان (۱۴۰۰)، اجرای آراء دادگاه‌های ملی به عنوان رأی داوری در پرتو کنوانسیون نیویورک، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۴۹)، صص ۱۳۶-۱۰۹.
۱۳. سیفی، سید جمال (۱۳۷۶)، اعتراضات شکلی علیه احکام صادره از دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده، ترجمه پروین محمدی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۵ و ۶، صص ۱۸۵-۱۴۵.
۱۴. سیفی، سید جمال (۱۳۷۷)، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسترال، دو فصلنامه حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۳، صص ۴۸-۳۵.
۱۵. شمس، عبدالله (۱۴۰۰)، آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد سوم، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات دراک.
۱۶. شهبازی‌نیا، مرتضی و علی‌دادی ده‌کهنه، علی (۱۳۹۹)، امکان اعتراض به رأی داوری به دلیل عدم اعمال عمدی قانون حاکم توسط داور، دوفصلنامه مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۳، صص ۷۱-۵۱.
۱۷. شهلا، مهدی و بشارتی، لیلا (۱۳۹۸)، نقش دادگاه‌های ملی در داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و فرانسه، دوفصلنامه حقوقی بین‌المللی، سال ۳۶، شماره ۶۰، صص ۶۸-۳۵.
۱۸. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۹)، داوری تجاری بین‌المللی، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
۱۹. رسول زاده فرساد، علی و علوم‌ی زدی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، مبانی قطعیت آرای داوری و حقوق شهروندی؛ مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی، فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۹، شماره پیاپی ۳۳، صص ۲۰۰-۱۸۵.
۲۰. لالیو، پی‌یر (۱۳۷۲)، اجرای احکام داوری بین‌المللی، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره‌های ۱۶ و ۱۷، صص ۳۱۵-۳۹۶.

۲۱. لواسانی، محمود (۱۳۴۳)، انواع بطلان در حقوق مدنی فرانسه، فصلنامه کانون وکلا، دوره ۱۶، شماره ۹۲، صص ۶۴-۷۶.
۲۲. محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۸۹)، مفهوم و آثار بطلان نسبی، فصلنامه دانش و توسعه، دوره ۱۷، شماره ۳۳، صص ۲۴۵-۲۷۰.
۲۳. مخیر، محمد و بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۶)، امکان‌سنجی ایجاد نهاد تجدیدنظر در پرتو ارزیابی انتقادی نظام ابطال آرای ایکساید (ICSID) و تجربه موفق هیأت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۸۰، صص ۱۱-۴۱.
۲۴. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۹۰)، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات پایدار.
۲۵. معراج، آذرگشسب (۱۴۰۰)، تأثیر ابطال رای داور بر موافقت‌نامه داوری، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۸۵-۱۰۳.
۲۶. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۸)، داوری تجاری بین‌المللی (آئین داوری)، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

(ب) منابع انگلیسی و لاتین

27. Carlston, Kenneth Smith (1972), *The Process of International Arbitration*, Published by ABC-CLIO, United States, 318 pages.
28. Franck, Susan, (2005), *The legitimacy crisis in investment treaty arbitration: privatizing public international law through inconsistent decisions*, *Fordham Law Review*, Vol. 73.
29. Hakansson, Emelie (2014), *The Challenge of Arbitral Awards: Arbitrators, Application of the 'Wrong' Substantive Law – A Ground for Challenge*, Uppsala University, <http://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:uu:diva216078>.
30. Schwarzenberger, Georg (1986), *International Law as applied by International Courts and Tribunals. International Judicial Law, Volume IV*, By: London: Stevens & Sons Limited.
31. Shin, Hi-Taek (2015), *Annulment in Meg Kinnear and others (eds), Building International Investment Law, The First 50 Years of ICSID (Kluwer Law International)*.